

www.ketab.ir

این است انسان

نویسنده: فردریش نیچه

مترجم: آرش هوشنگی فر

Ecce Homo
by Friedrich Nietzsche

Nietzsche, Friedrich Wilhelm

سرشناسه: نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م.

عنوان و نام پدیدآور: این است انسان: چگونه آنچه هستیم می شویم / نویسنده فریدریش نیچه؛ مترجم آرش هوشنگی فر.

مشخصات نشر: قزوین: آرمیدخت، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۲-۸۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Ecce homo: how one becomes what one is.

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی "Ecce homo: how one becomes what one is" به فارسی ترجمه شده است.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "این است انسان چگونه آن می شویم که هستیم" با ترجمه سعید فیروزآبادی توسط نشر جامی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

عنوان دیگر: این است انسان: چگونه آن کسی می شویم که هستیم؟

عنوان دیگر: چگونه آنچه هستیم می شویم.

موضوع: نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م.

موضوع: Nietzsche, Friedrich Wilhelm

موضوع: فیلسوفان آلمانی -- سرگذشتنامه

موضوع: Biography -- Germany -- Philosophers

شناسه افزوده: هوشنگی فر، آرش، ۱۳۵۶ - ، مترجم

رده بندی کنگره: B۳۳۱۶

رده بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۲۲۲۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



انتشارات آذر میدخت

این است انسان

نویسنده: فردریش نیچه

مترجم: آرش هوشنگی فر

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۰

چاپ: آریا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

www.ketab.pars



مرکز پخش

مدرس، سینای شمالی، پلاک ۸۴

۰۲۵ ۳۶۶۷ ۴۵۷۲

۰۲۵ ۳۶۶۵ ۱۳۴۰

۰۹۱۲ ۱۵۳ ۹۱۱۲

Azarmidokhtpub.ir

Book.pars@yahoo.com

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۲-۸۳-۷

پیشگفتار مترجم اول^۱

”نیچه زهرآگین‌ترین حرامزاده‌ای است که هرگز پیا بر روی این زمین گذاشته است. فقط این را بگو؛ و بعد از آن هر چیز دیگری که می‌خواهی بنویس، همان کاری که خودش انجام می‌داد.“... دوست من هنری ورنر تیمرمن^۲ با درخششی در چشم‌هایش این را به من گفت. او در ترجمهٔ «چنین گفت زرتشت» که یک عشق پرزحمت چهارساله بود به من کمک کرد، بنابراین می‌دانم دربارهٔ چه چیزی صحبت می‌کند. «زرتشت» (۱۸۸۵) شاهکار نیچه بود؛ هرآنچه پیش از آن آمد مقدمه بود و هرآنچه پس از آن آمد هم شرح و تفصیل و شفاف‌سازی بود.

اما این پرسش برای برخی همچنان باقی است: چرا نیچه؟ فردریش نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) به خوبی یکی از اصیل‌ترین و تأثیرگذارترین فیلسوفانی بود که تاکنون زیسته‌اند. افزون بر این، سبک نوشتار او درخشان، لطیف و منحصر به فرد بود [”آرزوی من این است تا در ده جمله بگویم آنچه را که دیگران همه در یک کتاب می‌گویند... آنچه را که دیگران همه در یک کتاب «نمی‌گویند».“] ادبیات او می‌رقصد، جست‌وخیز می‌کند، می‌چرخد و می‌گردد؛ بازه‌ای از پرگویی‌ها و بدزبانی‌های محله‌های اقلیت نشین تا والاترین هنرها، از ترانه‌سرایی تا کنایه‌های زهرآگین و بازیگوشی ساتیر^۳ را در برمی‌گیرد. هیچ کس واقعاً مانند نیچه نمی‌نویسد؛ با این که شمار میمون‌های مقلد سبک و نوشتار او (به ویژه در رده‌های دانشگاهی) به اندازهٔ یک لشگر است. اما نیچه هیچ چیز جز تحقیر برای دانشگاهیان نداشت؛ او آن‌ها را به عنوان ساکنان عقیم عرصهٔ متوسط و قورباغه‌های باد کردهٔ نیازمند یک سوزن در نظرمی‌گرفت. این برای فیلسوفان

۱. این کتاب بر پایهٔ نسخهٔ انگلیسی است که به وسیلهٔ Thomas Wayne از آلمانی به انگلیسی ترجمه شده است.

* مترجم پارسی هیچ گونه مسئولیتی در قبال دگرگونی‌های پس از پایان ترجمه در این نوشتار را به عهده ندارد - ویراستار

2. Henry Werner Timmermann

۳. Satyr: جانور جنگلی با پایین تنهٔ بز و بالاتنهٔ انسان در افسانه‌های یونان - مترجم

حرفه‌ای و ترجمه‌های "قاطع" آن‌ها از آثار نیچه بسیار سنگین است؛ پاورقی‌های آن‌ها خوب است و به‌جریک استثنای بسیار زننده (Zarathustra) ترجمه‌های خوبی هم انجام داده‌اند.

در ترجمه تازه‌ای که در این کتاب انجام شده، به‌تک‌تک جمله‌ها و عبارت‌ها در حد ستایش توجه شده است؛ تک‌تک سه نقطه‌ها، تک‌تک پرانتزها، تک‌تک کلماتی که با حروف ایتالیک نوشته شده‌اند و علامت‌های تعجب به‌عنوان بخشی از بسته کامل زبان ادبی نیچه یا اگر برای شما مناسب باشد، به‌عنوان نت‌های موسیقی ادبیات او در نظر گرفته شده و حفظ شده‌اند. همه چیز در ریتم و واژه-گزینی است...

و این ما را به پرسش دوم می‌رساند: چرا "دجال" و "اینک انسان"؟ دو ارائه منتسب به این آلمانی بزرگ که از جمله آخرین نوشته‌های او بوده‌اند. اگرچه او هر دو کتاب را در پایان سال ۱۹۸۸ تکمیل نمود، اما به‌عنوان نوشتارهای چنان فتنه‌انگیزی محسوب می‌شدند که تا سال‌ها بعد، یعنی به ترتیب در ۱۸۹۵ و ۱۹۰۸ منتشر نشدند. هر دو کتاب حاصل آخرین سال پراز خلاقیت نیچه بودند. با این حال لحن "اینک انسان" نسبتاً آرام و ساکت است، درحالی‌که "دجال" سوگنامه‌ای پراز زهر و سخن‌های تند است. در واقع کتاب دوم یکی از نابودگرترین محکومیت‌های مسیحیت در تاریخ است؛ نیچه آن را "تنها لکه بدنامی غیراخلاقی بشریت" خوانده است، بزرگ‌ترین گناه امکان‌پذیر در برابر واقعیت، در برابر روح زمین... او ادامه می‌دهد و می‌گوید، "نخستین و آخرین مسیحی بر روی صلیب جان داد." آنالیز او درباره عیسی و پاول به‌عنوان عالی‌ترین گونه‌های یهودی و پرتزهای که از پونتئوس پیلاتس^۱ به‌عنوان بالاترین گونه امپراتوری روم ارائه می‌کند در کمترین سطح هم به‌شدت تفکربرانگیز است. انسان به یاد نظر سوفت^۲ در «سفرهای گالیور» می‌افتد: "من ناگزیر باید به این جمع‌بندی برسم که بیشتر هم‌وطنان تواز زیان‌بارترین نژاد جانوران موزی کوچک و نفرت‌انگیز هستند که طبیعت تا امروز از خزیدن آن‌ها بر سطح زمین رنج برده است."

۱. Pontious Pilate: فرماندار استان یهودیه در زمان امپراتور Tiberius در سال‌های حدود ۲۶ تا ۳۶

پس از میلاد که به‌عنوان ناظر بر محاکمه عیسی مسیح و صادرکننده حکم به صلیب کشیدن او شناخته

می‌شود- مترجم